

دکتر گری میدورز، اول قرن‌تیان، درس ۱۴، پاسخ پولس به برخی گزارش‌ها/شایعات شفاهی، اول قرن‌تیان ۵:۱-۶:۲۰

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر گری میدورز هستم در تدریسش در مورد کتاب اول قرن‌تیان. این سخنرانی ۱۴ است، پاسخ پولس به برخی گزارش‌ها/شایعات شفاهی، اول قرن‌تیان ۱:۵-۶:۲۰.

به سخنرانی شماره ۱۴ در سفرمان به اول قرن‌تیان خوش آمدید.

ما فصل‌های ۱ تا ۴ را بررسی کرده‌ایم و در چند جلسه آینده، به فصل‌های ۵ و ۶ خواهیم پرداخت همانطور که از مقدمه‌مان به یاد دارید، فصل‌های ۱ تا ۴ بر اساس آیه ۱:۱۱ بود، گزارشی از خانواده کلویی به پولس در مورد مسائلی که در جریان بود. فصل‌های ۵ و ۶ بر اساس آیه ۵:۱ هستند که شایعات خاصی در مورد رفتارهای قرن‌تس وجود دارد که به ویژه به مسائل جنسی و دادگاه‌ها مربوط می‌شود. بعداً، در فصل ۷:۱ و پس از آن، پولس به مطالبی که قرن‌تیان برای او نوشته بودند، پاسخ می‌دهد ۷:۱.

شما باید دفترچه یادداشت شماره ۸ را برای استفاده امروز در دسترس داشته باشید. و ما امروز به فصل ۵ خواهیم پرداخت، امیدواریم که کل فصل را انجام دهیم. خواهیم دید که با ورود به این موضوع، اوضاع چگونه پیش خواهد رفت.

در مورد خلاصه فصل‌های ۵ و ۶، همانطور که اشاره کردیم، واحدی وجود دارد که به گزارش‌های شفاهی ذکر شده در آیه ۵:۱ پاسخ می‌دهد. همانطور که قبلاً به شما اشاره کردم، همیشه خوب است که خلاصه‌های گارلند را در ابتدای بخش‌ها بخوانید. او خلاصه خوبی از آنچه در فصل‌های آینده اتفاق می‌افتد، برای شما دارد. در رابطه با مسائل جنسی که مطرح می‌شوند، به ویژه در بخش اول فصل ۵، خارج از کتاب مقدس، اشاراتی وجود دارد که به زنای با محارم اشاره می‌کنند و این همان چیزی است که ما در اول قرن‌تیان ۵ با آن سر و کار داریم، اینکه زنای با محارم در جهان یونانی-رومی قابل قبول نبود.

پلوتارک، که نویسنده‌ای بزرگ بود، نوشته‌ای به نام «اخلاق» دارد و زنای با محارم را به عنوان عملی خلاف، قانون محکوم می‌کند. یوسفوس، که از حدود ۳۷ تا ۱۰۰ میلادی می‌زیست، هنگام مطالعه عهد جدید، چهره‌ای بسیار بسیار مهم است. یوسفوس معاصر عیسی و حواریون بود.

در حالی که او کودک بود و در سال ۳۷ میلادی، یعنی دهه ۵۰ میلادی، زمانی که حواریون فعال بودند، به دنیا آمد، یوسفوس نیز همینطور بود. یوسفوس، ما همه چیزهایی را که می‌خواهیم در مورد یوسفوس بدانیم نمی‌دانیم. او می‌توانست یک فرد نظامی باشد.

او می‌توانست سیاستمدار باشد. هر چه که بود، قدرت داشت. او تقریباً در زمان جنگ جهانی اول در سال‌های ۶۶ تا ۷۰ میلادی بسیار درگیر بود.

ما نمی‌توانیم وارد جزئیات این موضوع شویم. هموطنانش از نحوه ارتباط او با روم خوششان نیامد. روم او را به عنوان سرپرست خود پذیرفت و به روم بازگرداند، جایی که او آثار زیادی را برای معرفی قوم یهود به جهان نوشت.

او بسیار یهودی بود. او هرگز مسیحی نبود، اما به شدت به میراث خود افتخار می کرد. این چیزی است که یوسفوس در کتاب «آثار باستانی» می گوید.

در صفحه ۶۶، این را خواهید دید و من آن را برای شما می خوانم. در مورد زنا، موسی آن را کاملاً ممنوع کرد و آن را امری فرخنده دانست که مردان باید در امور زناشویی خردمند باشند و اینکه هم برای شهرها و هم برای خانواده‌ها سودمند است که فرزندان به عنوان افراد اصیل شناخته شوند. ضمناً، او می گوید که نماینده موسی است و تا حد زیادی، همینطور است، اما وقتی او هم به شهرها و هم به خانواده‌ها می گوید، کمی در اینجا حقیقت را آشکار می کند.

یوسفوس یونانی-رومی بود. او در زمان این مستعمرات رومی بسیار فعال بود و ما قبلاً در مورد مسئله مرکز بودن شهر در مستعمرات رومی صحبت کرده ایم. کتاب بروس وینتر، «به دنبال رفاه شهر باشید»، بینش بسیار مهمی در مورد این واقعیت است که فرهنگ آنها، هنجار فرهنگی آنها، حول شهرها و ساختارهای درون آن شهرها از مردم متمرکز شده است.

بنابراین، یوسفوس وقتی این را می گوید، کمی از زمان خودش را منعکس می کند. شهرها و خانواده‌هایی که کودکان باید به اصالت آنها شناخته شوند. او هم از دروغگویی مردان با مادرانشان به عنوان یکی از بزرگترین جنایات و هم از دروغگویی با همسر پدر، بیزار بود.

حال، یوسفوس مطمئناً این را قبل از اینکه چیزی در مورد اول قرن‌تین ۵ بداند، مطرح می کرد، البته اگر اصلاً چیزی در مورد آن می دانست. و طبق گفته یوسفوس، عمه‌ها و خواهران و همسران پسران، به عنوان همه نمونه‌های شرارت نفرت‌انگیز. بخش زیادی از این مربوط به عمل جنسی است که البته به اشتراک گذاشتن مایع منی بود و این زنا با محارم بود که آن مایعات بین اعضای خانواده به اشتراک گذاشته می شد.

این یک مسئله بسیار مهم در یهودیت است. اگر تا به حال از خود پرسیده‌اید که چرا طبق گفته کتاب مقدس، دو نفر تبدیل به یک تن می شوند، باید بگویم وقتی مردم ازدواج می کنند، تبدیل به یک تن می شوند.

خب، در این زمینه، «یک تن» استعاره‌ای برای خویشاوند بودن است. آنها خویشاوند هستند. وقتی ازدواج می کنید، با همسرتان خویشاوندی ایجاد می کنید و این موضوع در کتاب مقدس به شدت مورد حمایت قرار گرفته است.

یوسفوس همچنین مرد را منع کرد، یا به گفته‌ی او موسی، که نمایانگر آموزه‌های موسی است، مردی را از همخوابگی با همسرش هنگامی که همسرش به دلیل تطهیر طبیعی اش آلوده شده بود، منع کرد. او بار دیگر ادعا می کند که موسی این چیزها را گفته است، و برخی چیزها را ممکن است موسی گفته باشد، و برخی چیزها را ممکن است نگفته باشد. یوسفوس همچنین در مورد زمان و مکان خودش تأمل می کند.

و نه نزدیک شدن به حیوانات وحشی، نه آمیزش جنسی با حیوانات، و نه تأیید همخوابگی با مرد، نه همجنس‌گرایی، که به معنای شکار برای لذت‌های نامشروع به دلیل زیبایی بود. او، که دوباره نماینده موسی بود اما در واقع نماینده آموزه‌های یهودی زمان خود بود، برای کسانی که مرتکب چنین رفتار گستاخانه‌ای می شدند، مرگ را به عنوان مجازات مقرر کرد. بنابراین، چه در داخل و چه در خارج از کتاب مقدس، زنا با محارم قابل قبول نیست.

وینتر بار دیگر در رابطه با این موضوع، و بازسازی مرد زناکار به عنوان یک فرد دارای جایگاه اجتماعی بالا، کتاب «بازسازی» را می نویسد و می گوید که افشای عمومی او و همچنین پیامدهای منفی احتمالی برای اعضای کلیسا، نقض اخلاق اجتماعی روم بوده است. به عبارت دیگر، اگر به فصل‌های ۱ تا ۴ فکر کنیم،

جایی که این مسئله جایگاه اجتماعی مطرح است، و اگر این شخص که اساساً به زندگی با همسر پدرش که نامادری او بود افتخار می‌کرد، و اگر او فردی صاحب مقام و قدرت در شهر بود، دست داشتن در این رفتار می‌توانست کلیسای محلی را از نظر مالی، سیاسی و از جهات دیگر به خطر بیندازد. و بنابراین، این دلالت وجود دارد که چون آنها او را به عنوان قربانی معرفی نکرده بودند، شاید با این کار به جایگاه او احترام می‌گذاشتند و از اخلاق کتاب مقدس سرپیچی می‌کردند.

خب، ببخشید، باید این دوربین را بررسی کنم. به چیزی شنیدم. می‌خوام مطمئن بشم که هنوز اینجا داریم ضبط می‌کنیم و صدا قطع نشده، وگرنه مجبور می‌شم دوباره ضبط کنم.

همه چیز خوب به نظر می‌رسد. من این کار را خودم انجام می‌دهم. اینجا هیچ کمکی ندارم.

و بنابراین، در نتیجه، هر از گاهی، ممکن است مجبور شوم این کار را انجام دهم. از اینکه حدود یک ساعت صحبت کنم و بعد متوجه شوم که باید همه چیز را دوباره تکرار کنم، متنفرم. فکر نمی‌کنم بتوانم به خاطر بیاورم که در مورد چه چیزی صحبت می‌کردم.

بسیار خب. ثانیاً، صفحه ۶۶، دو سوم کتاب. یکی از ابعاد احتمالی جایگاه این مرد می‌تواند جایگاه یک نیکوکار باشد.

نیکوکار اصطلاحی فنی است که در این دوره برای کسی که از یک صنف یا گروهی حمایت می‌کرد، استفاده می‌شد و کلیسا نیز نیکوکاران خود را داشت. کلوته احتمالاً نیکوکار کلیسا بود و این کلیساهای خانگی اغلب به افرادی مربوط می‌شدند که توانایی مالی داشتند و می‌توانستند این کار را برای کسانی که برای عبادت جمع می‌شدند، انجام دهند. در این صورت، آزدن نیکوکار، نفوذ کلیسا را در جامعه تضعیف می‌کرد و شاید حتی باعث خصومت می‌شد.

حالا، وقتی در مورد این موضوع در زمان و مکان خودمان فکر می‌کنیم، ممکن است بگوییم، خب، این احمقانه است. آنها باید صرف نظر از هر چیز، از آنچه درست است دفاع کنند. اما باید دوباره به این واقعیت فکر کنید که آن فرهنگ توسط جایگاه اجتماعی، توسط افراد صاحب جایگاه اجتماعی، توسط افراد صاحب جایگاه اجتماعی که در شهر قدرت داشتند، کنترل می‌شد و آنها عادت به چالش کشیدن این موضوع نداشتند.

در واقع، آنها عادت داشتند برای راهنمایی در مورد زندگی به افراد صاحب مقام گوش دهند. بنابراین، این مسیحیان جدید در شرایط بسیار سختی قرار داشتند، اگر در واقع، مردی که مرتکب این گناه می‌شد، فردی صاحب مقام یا نیکوکار بود. بسیار خب، حالا به بخشی از آن برمی‌گردیم، اما بیا بیا کمی در مورد ساختار آن فکر کنیم.

یک بار دیگر، من دوست دارم تالبرت را بخوانم. همیشه دوست دارم نوشته‌های او را بخوانم تا ببینم چگونه، ساختار را می‌بیند. من همیشه این را قبول ندارم، و همانطور که اگر آثار او را بخوانید متوجه خواهید شد، تالبرت بسیار مستعد دیدن تقاطع‌ها است.

در واقع، شما باید برخی از اشتباهات املایی را در یادداشت‌هایتان اصلاح کنید. ممکن است به جای حرف قبل از «م» «را حذف کنید. این «ا» اول کلمه، از حرف اول کلمه «کیاسم» استفاده شده باشد. حرف «کیاسم» است.»

است. بنابراین، شما کیاسم، کیاسموس، کیاستیک دارید. این نوع خاصی از SM منی وجود ندارد. این ساختار است.

با A پرایم، همان A دعاوی حقوقی در فصل ۶ هستند. و سپس B. مشکلات جنسی در فصل ۵ است A و ستاره کوچک پشت آن، مشکلات جنسی به نام زنا در بخش آخر فصل ۶ است. بنابراین، این می‌تواند یک تقاطع باشد. تقاطع صرفاً زمانی است که شما شروع می‌کنید، یک لولا دارید و به جایی که شروع کرده‌اید برمی‌گردید. و این یک تقاطع بسیار کوتاه خواهد بود.

ممکن است، اما او گاهی اوقات تمایل دارد آنها را همه جا ببیند. با این حال، تقاطع‌ها یک ابزار ادبی بسیار رایج در جهان باستان بودند. این به زمان موسی در نوشتن اسفار پنجگانه برمی‌گردد.

در سفر پیدایش، جایی که روایت طوفان نوح را داریم، که روایتی نسبتاً طولانی است، کل روایت طوفان نوح یک تقاطع است. مقاله‌ای در این مورد توسط ونهام، ونهام، در وتوس وجود دارد. فکر کنم هست، و فکر کنم این یکی Gordon بگردی، به Wenham باشه. اما اگه بری و دنبال Testamentum John هست و به Gordon بود. به Gordon.

اما او مقاله‌ای در مورد روایت سیل دارد. او نموداری به شما نشان می‌دهد که چگونه کل روایت سیل این نقاط پایانی را دارد، و سپس در آن نوع ساختار، هر نکته به نکته‌ی دیگر پاسخ می‌دهد. حدس بزنید مرکز چیست؟ مرکز روایت سیل همان عبارت است، وقتی خدا در حال تمرین سیل در قضاوت خود است و قرار نیست دوباره جهان را به آن شکل قضاوت کند، کتاب مقدس می‌گوید، خدا به یاد آورد.

این دقیقاً مرکز روایت سیل است. بنابراین، تقاطع‌ها در محیط‌های ادبی باستان بسیار رایج هستند. هنگام خواندن اول قرن‌تین ۵ و ۶، توجه کنید که در این فصل‌ها چقدر بر جامعه تأکید شده است.

و با این حال، ما افرادی را داریم که این شایعات و این مشکلات را دامن می‌زنند. ما این مرد برجسته و نامادری‌اش را داریم. ما مشکلات پرونده‌های دادگاهی را داریم که حتی به طور خاص مشخص نشده‌اند، بلکه فقط به طور کلی مطرح شده‌اند.

چون ۵ و ۶ به این مشکلات از دیدگاه جامعه نگاه می‌کنند. این خیلی مهم است. این جامعه بود، نه فقط افراد، که خطر ایجاد می‌کرد، چون جامعه رفتارهای انحرافی را تحمل می‌کرد.

پولس می‌گوید که خمیرمایه کهنه را پاک کنید. تا جامعه بتواند پاک باشد. این تصویری از عهد عتیق است.

«اجتماع، معبدی از فضای مقدس است. وقتی در مورد اینکه «آیا نمی‌دانید بدن‌های شما معبد خداست صحبت می‌شود، برخی متون در مورد آن به صورت جداگانه صحبت می‌کنند. ما معبد خدا هستیم.

بعضی متون از جمع استفاده می‌کنند، به این معنی که کلیسا معبد خداست. و بنابراین، واقعیت این است که کلیسا یک ساختمان نیست. کلیسا مردم هستند. کلیسا مردم هستند.

در نتیجه، به جنبه‌ی اجتماعی آنچه در فصل‌های ۵ و ۶ اتفاق می‌افتد، توجه کنید و فقط به افراد فکر نکنید. این را بارها و بارها خواهیم دید. در صفحه‌ی ۶۷، در بالا، یک انسجام موضوعی وجود دارد.

جامعه‌ای پر از نزاع، غرور و اندوه، با مطالعات موردی جنسی و حقوقی که در بخش‌های ۵ و ۶ آمده‌اند مشهود است. پولس در بخش ۶.۵ از کلمه شرم استفاده می‌کند. این فرهنگی است که در آن شرم، به

خصوص اگر از گناه خود شرمنده بودید، یا از جایگاه خود شرمنده بودید، یا هر چیز دیگری، یک اصطلاح اخلاقی و معنوی بسیار بسیار قوی بود. و بنابراین، پولس از این کلمه استفاده می‌کند.

او به شرم آنها متوسل می‌شود، شرمی که در فرهنگشان، خودبینی و آبرویشان را تهدید می‌کند. او در آیات ۵ و ۶: ۹-۱۰ از فهرست رذایل استفاده می‌کند. فهرست رذایل را در نقل قول قرار دادم، زیرا یک ابزار ۹-۱۱ ادبی عظیم به نام فهرست فضایل و رذایل وجود دارد که قبل از عهد جدید وجود داشته و در عهد جدید تحت عنوان «آموزش» و «میوه روح» در این، gmeters.com، نیز وجود داشته است. من در وبسایتم مورد سخنرانی دارم.

چند ویدیوی کوتاه آنجا هست، اما چند سخنرانی یک ساعته هم هست. در آن سخنرانی‌ها، من درباره فهرست فضایل و رذایل صحبت می‌کنم، چون میوه روح، فهرست فضایل است. اعمال نفس، فهرست رذایل.

چه در خارج از کتاب مقدس و چه در داخل کتاب مقدس، ما این فهرست‌های فضیلت و رذیلت را داریم تا به نوعی تمرکز را بر مسائل خوب و بد متمرکز کنیم. بنابراین این چیزی است که باید مراقب آن باشید، حال، وقتی به خود فصل نگاه می‌کنیم، پس از این مقدمه کوتاه، متوجه خواهید شد که در صفحه ۶۷ الف، پولس به گزارش مربوط به اخلاق ننگین پاسخ می‌دهد.

این فصل ۵ است. اخلاق ننگین. اول از همه، او در آیات ۱ تا ۸ به مسئله زنا با محارم پاسخ می‌دهد. این آیات بسیار پرمحتوا هستند.

او در آیه ۱ به واقعیت زنا با محارم اشاره می‌کند، و سپس خواهیم دید که او در آیات ۲-۸ از عدم توبه ابراز تاسف می‌کند. بنابراین، واقعیت زنا با محارم و عدم توبه از جانب قرن‌تیان در رابطه با آن زنا با محارم در بخش پایانی این پاراگراف طولانی از آیه آمده است. همانطور که در میان شما گزارش شده است، آنچه در ۱: ۵ گفته شده است، اشاره می‌کند که پولس فقط به گناه یک مرد پاسخ نمی‌داد، حتی اگر آن دلیل این باشد.

اما این موضوع به گناه کلیسای قرن‌تس مربوط می‌شد. کلیسا، به عنوان یک بدن، مسئول اعضای خود است. اگر یکی از اعضا از هنجار منحرف شود، بر کل بدن تأثیر می‌گذارد.

این یک ارائه کتاب مقدسی از پیدایش تا مکاشفه است. شما هرگز تکاور تنها نیستید، به اصطلاح آمریکایی آن. کابوی بزرگی که ماسک می‌زد و تونتو داشت. شما هرگز در کار خدا تکاور تنها نیستید.

همیشه، همیشه، همیشه یک جامعه است. وضعیتی که در جریان بود. خب، بیایید اینجا به متن نگاه کنیم.

در فصل ۵، آیه ۱، می‌بینیم که در واقع گزارش شده است که در میان شما اخلاق جنسی وجود دارد. در میان شما اخلاق جنسی وجود دارد - نکته اول.

King James می‌گوید او با همسر پدرش خوابیده است، که معادل پویای خوبی است زیرا کلمه را توضیح می‌دهد. *that a man has his father's wife*. NIV، و این نیمه دوم اینجاست، *has* مصدر حال استمراری می‌گوید او همسر پدرش را دارد James.

رسمی‌ها این را می‌گویند. اما ما می‌دانیم که این یعنی چه. این یک جورهایی روش ملایم‌تری برای گفتنش است.

اما در زمان حال امری آمده است، به این معنی که چیزی است که در حال انجام است. این فقط یک رویداد نیست که اتفاق افتاده است، بلکه یک مسئله‌ی مداوم است - یک فرآیند است نه فقط یک عمل.

می‌توانید لایوان و تثنیه را ببینید که در مورد نفی این موضوع صحبت می‌کنند. ممکن است از خودمان چند سوال بپرسیم. آیا ازدواج بهانه‌ای برای کلیسا فراهم کرد تا اقدامی نکند؟ به عبارت دیگر، اگر این مرد با نامادری خود ازدواج می‌کرد.

حالا ما حتی نمی‌دانیم پدرش زنده است یا مرده، می‌بینید. هیچ جزئیاتی در مورد آن وجود ندارد. بنابراین، یک جنبه کاملاً دیگر در مورد این فرد وجود دارد که مطرح نشده است.

کاملاً واضح است که پولس روی پیچیدگی‌های فردی تمرکز نمی‌کند. او روی نحوه برخورد جامعه با آن تمرکز دارد. اما واقعیت این است که شاید، فقط به عنوان یک سناریو.

فقط برای شروع بحث فرض کنیم که پدرش هنوز زنده است، این زنای با محارم محسوب می‌شود.

حتی اگر پدر در تفکر قرن اول مرده باشد، این زنای با محارم است. در تفکر عهد عتیق، این یک زنای با محارم داریم. اما ما زنای با محارم است.

اما کلیسای قرن‌تس می‌توانست فکر کند، خب. اگر او ازدواج کرده، حتماً مشکلی نیست. حالا چه می‌توانیم بگوییم؟ دیگر تمام شده است.

خب، فکر نمی‌کنم پولس این‌طور به قضیه نگاه می‌کرد. یا سوال دوم می‌تواند این باشد که آیا ساختارهای اجتماعی مانع از فعالیت کلیسا می‌شدند؟ این موضوع جایگاه اجتماعی قبلاً ذکر شده است.

گزینه پیش روی این مرد این است که او به طور منظم با هم زندگی می‌کند و او را دارد. یا اینکه ازدواج کرده است. متن به آن اندازه که ما دوست داریم در این مورد واضح نیست. به نظر می‌رسد که ازدواج تا حدودی کفه ترازو را سنگین‌تر می‌کند. و اکثر مفسران فکر می‌کنند که او ازدواج کرده است، که این امر به چالش کشیدن او را برای کلیسا حداقل در سطح فرهنگی دشوارتر می‌کند. بیایید برای خودمان زیاد اغراق نکنیم.

به یاد داشته باشید، اینها مسیحیان کاملاً جدیدی در جهانی بودند که مسیحیت هرگز وجود نداشت. تا اینکه با آن روبرو شدند و انواع تأثیرات را از پیشینه خود گرفتند.

این افراد دوران سختی را می‌گذراندند. اما احتمالاً ما از بعضی جهات از آنها جلوتر هستیم. چون آنها حداقل با آن دست و پنجه نرم می‌کردند.

.گوله سوم. عملی بدتر از بت‌پرستی. قانون یهود می‌گوید که این بدتر است.

و منابع خارجی هم همین‌طور. ریچارد هیز، که اتفاقاً یکی دیگر از مفسران خوب رساله اول قرنتیان است. این یک تفسیر مختصر است که خوب است زیرا می‌توانید به یک جمع‌بندی برسید.

من نوشته‌های هیز را دوست دارم. او نویسنده‌ی خوبی است. او در این مورد از سیسرو نقل قول می‌کند.

این هم یک نقل قول دیگر در صفحه ۶۷. و بنابراین، مادر شوهر با داماد ازدواج می‌کند، بدون اینکه کسی را برای دعای خیر داشته باشد.

هیچ کس نبود که این وصلت را تأیید کند. و در میانه‌ی هیچ چیز جز بدشگونی عمومی. آه، به گناه آن زن فکر کردن.

باور نکردنیه. تو هیچ تجربه ای سابقه نداشته. به جز این مورد خاص

سیسرو آشکارا درباره چیزی در زمان و مکان خودش صحبت می کند. جزئیات جالب زیادی وجود دارد که اینجا نمی توانیم به آنها فکر کنیم. اما توجه کنید که این چقدر مردسالارانه است

این زن است که باید شرم و حیا را داشته باشد. مرد چطور؟ خب، در آن روزها، مردها از خیلی چیزها قسر. در می رفتند. و زن سرزنش می شد.

به شور و اشتیاق شیطانی اش فکر کن. افسارگسیخته. رام نشده

فکرش را بکن که او ذره‌ای تردید نکرد. اگر نه در برابر انتقام آسمان. که در لاتین به معنای قدرت خدایان است.

یا رسوایی در میان مردان. حداقل قبل از خود شب با مشعل‌های عروسی اش. آستانه‌ی حجله‌ی عروسی

تخت خواب دخترش. یا حتی خود دیوارها، که شاهد آن وصلت دیگر بودند. جنون شور و اشتیاق

من از میان برداشتم و هر مانعی را از میان برداشتم. شهوت بر فروتنی پیروز شد. هوسرانی بر وسواس فکری

دیوانگی بر عقل. وای. سیسرو واعظ خیلی خوبی بود، نه؟ منظورم اینه که می تونی اینو برداری و موعظه اش کنی.

قبل از اینکه خیلی ذوق زده شوید، چمدان‌هایتان را ببندید. ما باید ذوق زده شویم. ما به این نوع موعظه‌ها در محیط‌هایمان بیشتر نیاز داریم.

چون ما در مورد اخلاق کتاب مقدس سهل انگار می شویم، اما این [اخلاق] قدرتمند است. نوشته‌های سیسرو. سیسرو یک سخنور بود. او حتی در استفاده از کلمات و قدرتمند کردن آنها، ماهر و آموزش دیده بود.

همانطور که در مورد کتاب مقدس در جمع صحبت می کنید، امیدوارم به این اصل فکر کنید. کلمات وسیله. نقلیه شما هستند.

می دونی که فقط یه فیلم روی پرده سینما نمی سازی. به تمام پولی که هالیوود و بقیه‌ی تولیدات خرج می کنن. نگاه کن. برای جلب توجه مردم با اون همه گرافیک شگفت انگیز

و بازسازی‌هایی که این روزها می توانند انجام دهند. اما وقتی شخصی برمی خیزد تا نماینده بپوه باشد. خدای حقیقی جهان

ما فقط کلمات خودمان را داریم. بهتر است یاد بگیریم چگونه صحبت کنیم. و از کلمات خود استفاده کنیم.

سیسرو این کار را کرد. می‌توانیم در این مورد از برخی توصیه‌ها استفاده کنیم. من در چند مورد این افتخار را داشتم.

من به بروس مترگر، که سال‌ها استاد زبان یونانی و عهد جدید در پرینستون بود، گوش دادم و حتی با او غذا خوردم. او یک پروتستان خوب و یک محقق محافظه‌کار پروتستان بود.

یک محقق بزرگ بین‌المللی یونانی. و او یک بار در گفتگویی در این مورد تأمل کرد. او در یک خطبه انتخاب بین کلمه درست و کلمه نادرست را گفت. این مانند تفاوت بین ترقه و یک دینامیت است.

حتی در صحبت‌های محاوره‌ای‌اش. او از کلماتی استفاده می‌کرد که قدرتمند بودند: ترقه یا دینامیت.

سیسرو با این جمله‌بندی‌اش دارد مثل یک بمب عمل می‌کند. بنابراین، فرهنگ آن زمان با آنچه در اول قرن‌تین ۵ اتفاق می‌افتاد موافق نبود. و این به دلایلی بود، و خود این موضوع دیگری است.

افراد خاصی در این کلیسا فکر می‌کردند می‌توانند کارهایی انجام دهند که حتی فرهنگ خودشان هم به آنها اجازه انجام آنها را نمی‌دهد و نوعی آزادی برای انجام آنها دارند.

پاول می‌گوید نه، اینطور نیست. دوباره زمستان. پایین صفحه ۶۷.

زنا و زنا با محارم در قانون جزای روم مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. روم یک جامعه‌ی دعوی‌محور بود. به همین دلیل بود که روم توانست تمام آنچه را که اسکندر کبیر فتح کرده بود، کنترل کند.

سپس، او به ژنرال‌ها و پسرانش داد. نباید بگویم پسران، اما او به ژنرال‌هایش داد تا حکومت کنند. و آنها همه چیز را خراب کردند.

اما روم وارد شد و به کل ماجرا شکل داد. و هر آنچه را که اسکندر فتح کرده بود، تصاحب کرد. چرا روم توانست این کار را انجام دهد؟ چون روم سازمان‌یافته بود.

اسکندر در پیروزی در نبردها و فتح سرزمین‌ها عالی بود. اما پس از پایان جنگ، در مراقبت از آن چندان خوب نبود. اما روم خوب بود.

و بنابراین روم وارد عمل شد و به آن رسیدگی کرد. روم یک سیستم حقوقی پیچیده داشت. و انواع سطوح قانونی وجود داشت.

قانونی که در فصل ۶ درباره‌اش صحبت خواهیم کرد، احتمالاً بیشتر شبیه دادگاه حقوق مدنی است. این قانون، قانون جزا است - همین ماجرای زنا با محارم در امپراتوری روم.

حتی در آن امپراتوری، این قانون جزا بود. به عنوان یک تخلف بسیار جدی و مستلزم مجازات تلقی می‌شد.

چیزی از تبعید تا مرگ. بنابراین، کلیسا در برخورد با این فرد تنها نبود.

اما وقتی زنا و زنا با محارم - قانون مرور زمان رومی - مطرح بود، این کار را نکرده بود.

که معمولاً ۵ سال بود. اعمال نشد. این نشان می‌دهد که آنها این موضوع را تا این حد جدی گرفتند.

حالا، در امپراتوری روم. رابطه جنسی گسترده بود. یک ضرب‌المثل هست که می‌گوید اگر زنی فقط دو مرد را مرتباً می‌شناخت.

او بسیار پرهیزگار بود. بنابراین، روم از تمایلات جنسی و بی‌بندوباری جنسی بی‌خبر نبود.

و از هر نوع بی‌بندوباری جنسی. اما روم یک کار انجام داد. آنها از وجود یک همسر قانونی و یک شوهر قانونی محافظت کردند.

شوهر می‌توانست همه جا بدود و رابطه جنسی داشته باشد. اما این مسئله مربوط به زن و شوهر قانونی بود. این مسئله قابل حل نبود.

اگر او می‌رفت و یک همسر قانونی دیگر می‌گرفت، در آن صورت، به جرم زنا مجرم شناخته می‌شد و در دادگاه کیفری محاکمه می‌شد.

با این حال، او می‌توانست در همه جا معشوقه داشته باشد. کمی بعدتر در یک موقعیت دیگر به این موضوع برمی‌گردیم. و بنابراین، ما این رسم را داریم که از بت‌پرستی بدتر است.

و این شایسته‌ی قانون جزا است. و حتی بدون مرور زمان. بنابراین، این موضوع بسیار جدی است.

با این حال، قانون روم از افراد دارای جایگاه اجتماعی حمایت می‌کرد. در اینجا نکته‌ی پیچیده‌ای مطرح می‌شود - حق پیگرد قانونی یک فرد دارای جایگاه اجتماعی

در قانون روم این امر محدود بود. اگر فردی فاقد جایگاه اجتماعی بودید، نمی‌توانستید این کار را انجام دهید. حتی نمی‌توانستید یک فرد دارای جایگاه اجتماعی را به دادگاه بکشید.

به دلیل سلسله مراتب نظام حقوقی که به نفع شهروندان رومی بود. به نفع شخصی که در شهر جایگاه و منزلت اجتماعی داشت.

و در درون آن سیستم رومی. بنابراین، بخشی از آن در جریان است. به ویژه، وقتی به فصل ۶ می‌رسیم. خواهیم دید که زنا و زنا با محارم در آن دخیل بوده‌اند.

قانون مرور زمان منسوخ شده بود. قانون روم از این شخص صاحب‌منصب حمایت می‌کرد. زنا با محارم مستلزم یک اقدام رسمی اتهامی بود.

به منظور پیگرد قانونی. به خصوص علیه یک فرد صاحب‌مقام. بنابراین، در نتیجه

چرا آن قرن‌تس بود؟ جامعه‌ی ایمانداران در قرن‌تس. او نه تنها در برخورد با این مرد شکست خورده بود، بلکه کمی هم در این مورد تکبر به خرج داده بود. و پاسخ به احتمال زیاد این است.

چون او جایگاه و منزلت داشت. و در محیط فرهنگی خودشان. آنها به آن جایگاه اعتبار می‌بخشیدند.

به جای اینکه به آداب و رسوم پایبند باشند. دین جدیدی که آنها پذیرفتند مسیحیت نام داشت.

خب، این یه واقعیه. و این یه حقیقت خیلی بزرگ در مورد مشکل گناهه

دوم، در صفحه ۶۸ پولس با توجه به شرایط، از عدم توبه ابراز تاسف می‌کند

در آیات ۲ تا ۸. پولس در اینجا هیچ کم و کسری ندارد. او خواستار تکفیر فوری و شدید است

از مجرم. قرار است به آنها پرداخته شود. او به مجرم نمی‌پردازد

او کلیسا را خطاب می‌کند. این مسئولیت کلیسا است. نگرش قرن‌تیان در ۵:۲. و شما افتخار می‌کنید

بهتر نبود به عزاداری می‌پرداختی؟ این استعاره‌ای از مراسم تشییع جنازه است

تو باید به جای اینکه به این موضوع افتخار کنی، مراسم تشییع جنازه برگزار می‌کردی و از جمع خودت بیرون می‌آمدی.

مردی که این کار را می‌کرد. حالا یادت باشد. این را علناً خواندند

واقعاً دلم می‌خواد وقتی زندگیم روی زمین تموم شد، چند تا ویدیو از این بینم. امیدوارم برم اتاق ویدیو

و فقط تماشا کنید که این چطور خوانده می‌شود. و ببینید چه کسی آنجاست که گوش می‌دهد. خب، این مرد مغرور بود

آنها مغرور و متکبر بودند. و چه کسی می‌داند، شاید او در ردیف جلو نشسته بود

جالبه. من که مشکوکم، فکر می‌کنم اون بزرگتری که این نامه رو دریافت کرده، قرار بوده روز بعد بخونه خب، چطور این کار رو کرده؟ نظرش چی بوده؟ آیا به این یارو هشدار داده که فردا اینجا نباشه؟ یا شاید از اون طرف دیوار بوده و گفته، اوه پسر، من می‌تونم اینو بخونم. می‌دونی، توی این شرایط خیلی چیزهای انسانی می‌تونه اتفاق بیفته، اما ما نمی‌تونیم اجازه بدیم تخیلمون خیلی از حد بگذره

نگرش قرن‌تیان غرور بود. گارلند خاطرنشان می‌کند که اصطلاح غرور، که به معنای اصطلاح یونانی فوسیو است، به معنای مغرور بودن است. این واژه در معادل رسمی خود به غرور ترجمه شده است (phusio)

این کلمه به متکبر ترجمه شده است، که همان کلمه است، فقط یک اصطلاح مدرن‌تر. و به نظر می‌رسد که به عنوان یک تکیه کلام عمل می‌کند زیرا نه تنها در اینجا در ۵:۲ ذکر شده است، بلکه در ۴:۶، ۴:۸، ۴:۱۹ و ۱۳:۴ نیز آمده است. این کلمه در سراسر رساله نفوذ کرده است. آنها به شدت متکبر بودند زیرا به ۸:۱ محیط اجتماعی خود بیشتر از اینکه به کلام خدا بودن خود اطمینان داشته باشند، اعتماد داشتند

شاید این شعار، ادامه‌ی انتقاد او از مشکل قرن‌تیان باشد. بنابراین، آنها به ساختارهای اجتماعی خود اجازه می‌دادند که بر آموزه‌های خدا غلبه کند. به نوعی، آنها به این وضعیت می‌بالیدند

آیا چنین تکبری به جایگاه اجتماعی آن مرد مربوط می‌شد؟ او مقصر است. می‌دانید، وقتی این متن را می‌خوانم نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم و به مواردی در طول سال‌های خدمتم فکر نکنم که افراد سرشناس در فرهنگ کلیسای آمریکا مرتکب گناهان جنسی شده‌اند. من در مورد شخصیت‌های بزرگ ملی آمریکایی و افرادی که احتمالاً در خارج از کشور نیز شناخته شده هستند صحبت می‌کنم

و به نظر می‌رسد همیشه سناریوی تقریباً یکسان است. آنها دستگیر می‌شوند. سپس اعتراف می‌کنند

بعد، آنها پشیمان می‌شوند. بعد می‌خواهند شغلشان را پس بگیرند. خب، مطمئن نیستم که پاول هم اینطور به قضیه نگاه کند.

آنها باید توبه کنند. آنها باید خود را تسلیم جماعت خود کنند. اما صادقانه بگویم، من راهی برای بازگشت به آن نوع رهبری نمی‌بینم.

گناه جنسی زمانی رخ می‌دهد که آشکار، مدفون، پنهان و تا زمان دستگیری به آن اعتراف نشود. آنها آشکار می‌شوند. و به نظر من، باید آشکار بمانند.

طبیعت انسان، وقتی اخلاقی به آن بزرگی را نقض می‌کند، به شدت وسوسه می‌شود که دوباره آن را انجام دهد. و ما شاهد مواردی از انجام دوباره آن بوده‌ایم. گفتن اینکه آنها نمی‌توانند به خدمت برگردند به این معنی نیست که نمی‌توان آنها را بخشید.

اما بین بخشیده شدن و واجد شرایط بودن برای ایفای نقش رهبری مهم در کلیسا تفاوت وجود دارد. خب من دارم رو به دورین صحبت می‌کنم. و شما می‌توانید هر چقدر که می‌خواهید با من صحبت کنید، اما من نمی‌توانم صدای شما را بشنوم.

فکر می‌کنم سخنرانی‌های صوتی و تصویری مزایایی دارند. بنابراین، غرور وجود داشت. سوگواری وجود نداشت.

آنها باید به مراسم تشییع جنازه می‌رفتند، نه اینکه در مورد آن مغرور باشند. بنابراین، پولس پس از اینکه آنها را به خاطر نگرششان سرزنش می‌کند، خواستار تأدیب می‌شود. او سه جنبه از تأدیب را ترسیم می‌کند.

پولس به آن اشاره می‌کند، خداوند حضور دارد و کلیسا مسئولیت اجرای آن را بر عهده دارد. او در آیات ۴ و ۵ می‌گوید، وقتی که شما جمع می‌شوید. این نشان می‌دهد که کلیسای اولیه ساختارهایی را که برای ۵:۳ انجام امور خود استفاده می‌کرد، مشاهده و درک می‌کرد.

این یک کار کلیسایی بود. من به بزرگان کلیسا بسیار اعتقاد دارم، اما هنوز هم فکر می‌کنم که در کلیسای کامل با بزرگان به عنوان رهبر، استقلال وجود دارد. ما باید هنگام به کارگیری نکته رهبری بزرگان به جای تک‌کشیشان، مراقب باشیم، همانطور که از نظر فرهنگی در ایالات متحده آمریکا اغلب صادق است.

این رهبری جمعی است و وقتی کلیسا گرد هم می‌آید، این رهبری حس جماعت‌محوری دارد. اضافه شدن عبارت «به نام خداوند عیسی مسیح»، «به قدرت خداوند عیسی مسیح»، نشان می‌دهد که کلیسا در برابر خدا مسئول است، نه فقط در برابر پولس. تفسیر دقیق متن، اهمیت نقطه‌گذاری در این متن را نشان می‌دهد.

در ترجمه آن یک میدان مین است. بیایید برای لحظه‌ای به آن نگاه کنیم. به آیه ۴ برگردید. بنابراین ۵:۵ را می‌خوانید، و من با شما در روح هستم، و قدرت خداوند ما ۲۰۱۱ NIV هنگامی که شما جمع شده‌اید و عیسی مسیح حضور دارد، این مرد را به شیطان بسپارید تا جسمش نابود شود، تا روحش در روز خداوند نجات یابد.

- لاف زدن شما خوب نیست، که پاراگراف کوتاه بعدی را آغاز می‌کند. حالا بیایید در مورد این فکر کنیم. تفسیر دقیق در رابطه با علائم نگارشی.

ترجمه‌های مدرن تمایل دارند برای شکستن جملات طولانی، نقطه، یعنی نقطه، قرار دهند. اول قرن‌تین ۵ سال ASV آیات ۳ تا ۵، در واقع یک جمله است. این یکی از مقادیر معادل‌های رسمی‌تر کتاب مقدس، مانند ۱۹۰۱ است.

آنها را زیاد تجزیه نمی‌کند RSV. آنها جملات را تجزیه نکردند. جملات طولانی و پیوسته داشتند.

درست تا وسط جملات پیش می‌رود، حتی جمله‌های وصفی را هم از هم جدا (NIV) متن انگلیسی جدید می‌کند. این متن را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کند، زیرا برای فرهنگی نوشته شده که دیگر نمی‌تواند بخواند، نمی‌تواند اندیشه‌ی بزرگ‌تر را تحمل کند. اما آیات ۳ تا ۵ فقط یک جمله هستند، بنابراین به هر حال باید به زبان انگلیسی نقطه‌گذاری شوند.

و چه اتفاقی می‌افتد؟ در زبان یونانی، واحدهای دستوری، یعنی عبارات، جمله‌های وابسته و عبارات حرف اضافه‌ای، ممکن است در توالی‌های متنوعی قرار گیرند. انگلیسی یک زبان ترتیب کلمات است. ترتیب کلمات همه چیز است.

من نمی‌توانم بگویم همه چیز کلمه به کلمه است. من می‌گویم کلمه به کلمه همه چیز است. من نمی‌توانم بگویم همه چیز کلمه به کلمه است.

من که نمی‌توانم همه آن کلمات را قاطی کنم. اگر این کار را بکنم، مزخرف می‌شود. در زبان یونانی، واحدها را می‌توان همه جا گذاشت.

گاهی اوقات، فعل اصلی ممکن است در سه یا چهار آیه نیاید. مانند اول یوحنا، فعل «آنچه که در ابتدا بود» را داریم. این یک جمله‌واره ضمیر موصولی است.

و قبل از اینکه حتی به فعل اصلی برسید، چندین مورد از آنها را دارید. زبان یونانی از این نظر فوق‌العاده است که می‌تواند با قرار دادن واحدها، تأکید را نشان دهد. مشکل این است که می‌تواند آن واحدها را در انواع مکان‌ها قرار دهد.

در نتیجه، شما باید با بافت جمله کنار بیایید. خوب، ترجمه‌ها این کار را برای شما انجام می‌دهند. یک بار دیگر، قربانی ترجمه‌ها نشوید.

دانشجوی ترجمه باشید. انگلیسی به یک توالی نسبتاً ثابت نیاز دارد و اصلاحات را به محل قرارگیری و علائم نگارشی وابسته می‌کند. اما یونانی انگلیسی نیست و اغلب جایی را که توصیف‌کننده‌ها قرار می‌گیرند، باز می‌گذارد.

بنابراین، ترجمه نیازمند تفسیر است. ترجمه نیازمند تفسیر است. نمونه‌ای از این موضوع در این عبارت است، البته به نام خداوند ما عیسی در آیه «in» آمده است که در واقع حرف اضافه «in» حرف اضافه‌ای است. حالا، من یک نمودار در بالای صفحه ۶۹ به شما داده‌ام. ۵.۴.

اینجا NIV، و این نمودار از چهار نسخه‌ای که من انتخاب کرده‌ام استفاده می‌کند. و به یاد داشته باشید مربوط به سال ۵۸ یا دهه ۶۰ است. و سال ۲۰۱۱، واقعاً باید آن را وارد کنیم NIV.

قبلی را اینقدر تغییر NIV، فکر کنم باید ستونم را طولانی‌تر کنم چون جالب است ببینم چطور سال ۲۰۱۱ داد. و فکر می‌کنم آن را در ۹۰ درصد به سمت بهتر شدن تغییر داد. خب، کینگ جیمز، توجه کن که چه می‌کند.

در عبارت پرننگ، به نام خداوند ما عیسی، نگاه کنید، قبل و بعد از آن یک ویرگول گذاشته شده است. این به چه معناست؟ یعنی آنها غیرمتعهد بودند. آنها قبلاً آن را نچسبانده بودند.

بعدش وصلش نکردن. راه انداختنش. پس خواننده باید قضاوت کنه.

بنابراین، اگرچه من در مورد کسی که این کار را انجام داده حضور داشتم، او این کار را به نام خداوند عیسی انجام داده است. آیا آن مرد این کار را به نام عیسی انجام داد؟ آیا او آنقدر متکبر بود؟ یا به نام خداوند عیسی، وقتی دور هم جمع می‌شوید، آیا به آنجا می‌رود؟ کجا می‌خواهید آن را قرار دهید؟ عبارات حرف اضافه همیشه قیدی هستند. آنها باید چیزی را توصیف کنند.

غیرمتعهد بود. و اگر خواننده (KJV) آنها در این نوع آموزش به خودی خود مستقل نیستند. کینگ جیمز خوبی باشید، این سوال را خواهید پرسید.

- یا فقط می‌خواهید بخوانید و فرضیات سطحی داشته باشید، که معمولاً کاری است که مردم انجام می‌دهند توجه کنید که بعد از شروع یک نقطه ویرگول وجود دارد، انگار که من آنجا حضور داشتم، انگار NRSV. که حضور داشتم، من قبلاً به نام خداوند عیسی داوری را اعلام کرده‌ام.

حالا توجه کنید که این به اعلام داوری توسط پولس گره خورده است. او هنوز در نسخه کینگ جیمز به این موضوع اشاره نکرده بود. توجه کنید که نسخه کینگ جیمز چقدر طولانی‌تر از نسخه کینگ جیمز است.

فعال است تا به خواننده کمک کند. اما NRSV، چیزهای زیادی اینجا اضافه شده است. اگر لطف کنید اکنون، به نام خداوند، عیسی به اعلام داوری مشغول است.

اولیه، نسخه اصلی، حدود شش خط قبل‌تر، زمانی که شما به نام خداوند NIV، NIV. نه به جمع شدن عیسی جمع می‌شوید، آمده است.

خب، آنها کاملاً روشن کردند که آن را به کجا می‌برند. گرد هم آمده. آنها آن را با گرد هم آمدن به نام خداوند می‌برند.

این کار را نمی‌کند. به کاری که ۲۰۱۱ در ۵:۴ انجام می‌دهد گوش دهید. بنابراین، وقتی شما جمع ۲۰۱۱ می‌شوید، من، یعنی پولس، با روح با شما هستم. و قدرت خداوند عیسی حضور دارد.

این کمی آن را برجسته می‌کند، و به جامعه نگاه می‌کند، که وقتی جامعه گرد هم می‌آید، عیسی آنجاست. و به این موضوع می‌پردازد. نسخه ۲۰۱۱ کمی غیرمستقیم‌تر به آن می‌پردازد NIV، بنابراین.

وقتی دو یا سه نفر به نام من جمع می‌شوند، من در میان آنها هستم. این می‌تواند تشبیهی باشد برای آنچه در آنجا اتفاق افتاده است. ترجمه‌ها.

ترجمه‌ی زنده‌ی جدید. من قبلاً به نام خداوند عیسی داوری کرده‌ام. اکنون، آن را پس گرفته و به داوری پولس و ادعای نام خداوند عیسی به عنوان بخشی از آن داوری مرتبط کرده‌ام.

ادعای آن مرجعیت. بنابراین، این عبارات همه جا هستند. برای مثال، در نسخه کینگ جیمز، این عبارت با آنچه قبل یا بعد از آن آمده است، مطابقت دارد.

خب، منطقی که باید دنبال شود این است که این یارو بگوید من این کار را به نام خداوند انجام می‌دهم. NIV، پولس، قبلاً به نام خداوند عیسی تصمیم گرفته است، NRSV. هرچند در این مورد دیدگاهی وجود دارد. به نام خداوند عیسی تشکیل جلسه داده است.

ترجمه‌ی زنده‌ی جدید، پولس این کار را به نام خداوند عیسی انجام داد. و این هم از آن. ما دوباره به سراغ ترجمه‌های انگلیسی می‌رویم که تفسیرهایی انجام می‌دهند.

این می‌تواند از بعضی جهات خیلی مهم باشد. منظوم این است که شاید پایان بحث الهیات نباشد، اما در عین حال، این سوال خیلی جالبی است. آیا ترجمه تفاوتی ایجاد می‌کند؟ چه می‌خوانید؟ منظوم این است که از یک نظر کمی برای من استرس‌زا است، چون من اینجا چند کتاب مقدس و عهد جدید یونانی دارم و سعی می‌کنم در یک موقعیت سخنرانی انگلیسی با شما صحبت کنم، و با این حال ممکن است چندین نسخه از آن زبان را داشته باشم.

از نظر تفسیر نگاه کنید، به اینجا می‌رسیم. یک N بنابراین، ما از آن درس می‌گیریم. اگر به انواع مختلف با حالت مفعولی مطلق می‌آید، و وقتی در اسم جمع شده باشد، جمع می‌شود A، N دیدگاه این است که

با جمع شدن، آن فعل دیدن C. با جمع شدن اما برای تفسیر قدرت رساندن به نام خداوند عیسی، B یا به سپردن یا تحویل D، N. همراه است، اما با قدرت به نام خداوند عیسی مرتبط است، با قدرت رساندن دادن، تحویل دادن به نام خداوند عیسی تغییر می‌کند.

بر بندهای باقی‌مانده از ۵، ۴ و ۵ حاکم است، کل ماجرا به جای اینکه همه چیز به نام عیسی انجام E، N اصلاح می‌کند که من قبلاً به نام خداوند عیسی قضاوت کرده‌ام. بنابراین تا آنجا که به ادبیات F، N شود. یا مربوط می‌شود، ما در اینجا حدود شش تغییر داریم، کم و بیش در مورد چگونگی ظریف کردن این که این مجوز به نام خداوند عیسی چیست، این یک بیانیه اقتدار است، این یک ادعای اقتدار است.

آن را به کجا وصل می‌کنید؟ تیستلتون، در تفسیر خود، این نظر، نقل قول، مانند طول جمله‌ی پیچیده‌ی منفرد در آیات ۳ تا ۵ را مطرح می‌کند. پیچیده «منفی به نظر می‌رسد؛ تیستلتون آدم منفی‌باف نیست، اما بگذارید فقط بگوییم که در این جمله‌ی پیچیده‌ی یونانی در آیات ۳ تا ۵، استدلال برای یک دیدگاه نسبت به که بر تمام بندها حاکم N یعنی E، دیدگاه دیگر دشوار است. با این حال، با این نکته، نتیجه گرفتیم که C است، به دلیل جایگاهش به عنوان یک کنش گفتاری، بیشترین ارزش را برای تحسین دارد. در حالی که یعنی نمادی که با قدرت مرتبط است، تا حد امکان قانع‌کننده باقی می‌ماند.

اصلاح می‌کند. من قبلاً قضاوت کرده‌ام F. F و هیچ یک از گزینه‌ها را نمی‌توان با قطعیت رد کرد به جز را انتخاب کردند، و NLT F و NRSV پاول قبلاً قضاوت کرده است. نمی‌دانم متوجه شده‌اید یا نه، اما تیستلتون می‌گوید این تنها گزینه‌ای است که احتمالاً ایده خوبی نیست. مگر شما فقط عاشق بورسیه نیستید؟ و خواهید گفت، دست‌هایم را بالا ببرید. من چه کار خواهم کرد؟ خب، شما قرار است درس بخوانید، قرار است با تنوع کنار بیایید، قرار است قضاوت‌هایی انجام دهید، قرار است فروتن باشید، و قرار است به زندگی خود ادامه دهید و زندگی خود را بکنید.

حتی دیدگاه دیگری هم در مورد این عبارت حرف اضافه‌ای وجود دارد. گارلند به آن اشاره می‌کند در حالی که اعمال مرد را تغییر می‌دهد N آن را نمی‌پذیرد. او می‌گوید این پذیرفته شدن را به دست می‌آورد که

کسی که این کار را به نام خداوند عیسی انجام داد. شاید در ابتدا به این حرف بخندیم، اما بعد از خواندن تحلیل وینتر از فرنتس روم و جایگاه و نیکوکاران و افرادی که نسبت به آزادی خود متکبر بودند، دیگر به آن اندازه نخواهیم خندید. شاید این شخص از اخلاق کتاب مقدس بی‌خبر بوده و شاید داستان کتاب مقدس را نمی‌دانسته است.

، شاید او هیچ آگاهی از عهد عتیق نداشت چون یهودی نبود، و عهد جدید هم به اندازه‌ی آنچه نوشته شده مدت زیادی وجود نداشته، و او به اندازه‌ی کافی با آن عجین نشده بود. او تقریباً در خلأی از گذشته‌ی خودش عمل می‌کرد، و با این حال یک مسیحی جدید است. او می‌گوید، خب، من یک مسیحی هستم

من می‌توانم هر کاری که بخواهم انجام دهم، و می‌خواهم با مادرشوهرم ازدواج کنم. ببخشید، نامادری‌ام، و من این کار را به نام عیسی انجام خواهم داد. عیسی به من آزادی داده است. خب، ممکن است این کمی عجیب به نظر برسد، اما در آن فرهنگ شاید به این اندازه عجیب نبود، زیرا مردم هنوز حتی الفبای اخلاق مسیحی را یاد نگرفته بودند، و راستش را بخواهید، در برخی از محیط‌های مسیحی، حتی در آمریکا هم گاهی اوقات، افرادی را می‌بینید که تا این حد متکبر هستند

،بعید به نظر می‌رسد، اما با توجه به فرهنگی که با آن سر و کار داریم و مسیحیانی که با آنها سر و کار داریم، می‌تواند به طرز تکان‌دهنده‌ای درست باشد. این متن نظم طبیعی نحوه بیان یونانی را در اینجا حفظ می‌کند اما می‌دانیم که لازم نیست آن نظم را حفظ کنیم زیرا هر واحد به واحد دیگری متصل است و آن واحد ممکن است نزدیکترین واحد نباشد. خود گارلند این دیدگاه را رد می‌کند، اما این ایده که این مرد در ادعای یک ایدئولوژی جدید، یک الهیات جدید، جسور بوده است، قابل قبول نیست

به من نگاه کن، چقدر آزادم. به یاد داشته باش، او این کار را نه تنها در مواجهه با پولس، بلکه در مواجهه با فرهنگ خودش انجام می‌دهد. یک الهیات جدید، یک ایدئولوژی، در حال رایج شدن است

بازسازی این متن با توجه به نخبه‌گرایی رومی، چنین ادعای جسورانه‌ای را ممکن می‌سازد، اما به هیچ وجه به یک دیدگاه رایج تبدیل نشده است. خب، من به ۵.۵ رسیده‌ام که کلی مشکلات دیگر هم دارد. ما این یارو را به شیطان خواهیم سپرد

اصلاً این یعنی چی؟ خب، می‌بینم که سخنرانی من حدود ۵۰ دقیقه طول کشیده، و با اینکه می‌خواستم کل فصل ۵ را در یک سخنرانی ارائه دهم، نمی‌خواهم شما را با این مدت زمان وحشتناک عصبانی کنم. سعی می‌کنم حداکثر یک ساعت کمتر از این مدت زمان را ارائه دهم، و در این مورد کمی کمتر از این مدت زمان خواهد بود. بنابراین، در سخنرانی بعدی به صفحه ۷۰ برمی‌گردیم و در مورد سپردن این مرد گناهکار، این شخص متکبر که مرتکب این عمل زنای با محارم شده است، به شیطان صحبت می‌کنیم و در مورد معنای آن بحث خواهیم کرد

می‌توانید در این فاصله یادداشت‌ها و همچنین تفسیر را بخوانید و قبل از اینکه حتی صحبت کنم به تمام آن سؤالات پاسخ دهید. شاید دفعه‌ی بعد فقط یک ساعت سکوت داشته باشم و شما بتوانید از خودتان لذت ببرید. خب، به هر حال، بودن با شما خوب است و شما را در سخنرانی بعدی خواهیم دید

این سخنرانی دکتر گری میدورز در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی ۱۴، پاسخ پولس به برخی گزارش‌ها/شایعات شفاهی، اول قرن‌تیان ۱:۵-۶:۲۰ است.